

## تفویض دین به پیامبر و امام از نظر آیت الله نمازی شاهروdi

\* محمد علی باقی\*

چکیده: یکی از شؤون مقام امامت و ولایت، تفویض امر دین و مقام امر و نهی و تشریع است که به پیامبر ﷺ و امامان ظاهری اعطا شده است.

دلایل علامه نمازی شاهروdi برای اعطای تفویض دین چنین است:

- تفویض امر دین، امکان عقلی دارد و خداوند امور دین را به بندگان برگزیده و معصوم سپرده است.

- با استناد به آیات و روایات، تفویض امور دین به پیامبر ﷺ و امامان ظاهری اثبات می شود.

- وجود ولایت تشریعی برای ائمه ظاهری همانند پیامبر ﷺ است که محدود به اموری است که موسع باشند یعنی حکم الزامي الهی در آن موارد نیامده باشد. احکام صادره از پیامبر ﷺ و ائمه ظاهری نشان دهنده آفاق دیگری از مقام ولایت ائمه ظاهری می باشد. برخی احکام الهی فقط ابلاغی است که فریضه یا فرض الهی نامیده می شود. و برخی

---

\*. محقق و مدرس حوزه علمیه قم.

## مقدمه

طرح بحث بر اساس آیات و روایات، خداوند مقام امامت و ولایت را برای پیامبر اکرم ﷺ و اوصیای بعد از آن حضرت قرار داده است. یکی از شؤون این منصب، تفویض امر دین و مقام امر و نهی و تشریع است. این مطلب از آیات و روایات موجود در تفسیر آن بزرگواران قابل استفاده و بررسی است. در این مختصر برآنیم تا ضمن استفاده از بیانات مرحوم علامه شیخ علی نمازی شاهروندی گزارشی از ادله موجود و مقدار دلالت آنها ارائه دهیم.

### ۱) امکان عقلی تفویض امر دین

به لحاظ عقلی ممکن است انسانها بعضی از امور تحت سلطه خود را به شخصی واگذارند که از جهات مختلف به او اعتماد دارند. علامه نمازی با استناد به کلام امام حسن عسکری علیه السلام به تبیین مطلب در ضمن تشبیه موجود در روایت می پردازند. (رساله تفویض، ص ۱۲)

در این حدیث شریف پس از بیان اعتراض منافقان بر ولایت و وصایت امیر المؤمنین علیه السلام، کلامی از خداوند متعال به پیامبر اکرم ﷺ بیان شده است: «ای محمد به آنان بگو: چگونه از آن امر وصایت و ولایت را انکار می کنید؟ او خداوند عظیم کریم و حکیم است که افرادی را از بین بندگانش پسندیده است و آنان را به بزرگداشت‌هایی مخصوص گردانیده، به خاطر آنکه از خوبی اطاعت و فرمانبرداری آنان از دستوراتش باخبر بوده است، پس امور



بندگانش را به آنان واگذاشت و برای آنان اداره امور آفریدگانش را قرار داده و آنان را به تدبیر حکیمانه‌ای از سوی خود توفیق داد، آیا نمی‌بینید پادشاهان زمین را وقتی یکی از آنان از میان بندگانش خدمت‌گزاری را پسند و به خوبی فرمانبرداریش در آنچه از امور حکومت به او سپرده، اطمینان حاصل کند، تمامی امور خارج از دربارش را به او می‌سپارد و در اداره امور لشکریان و مردمش به او اعتماد می‌کند، همین‌گونه است محمد ﷺ در تدبیری که خدا به او عنایت کرده است و بعد از او علیؑ است، هموکه او را وصی و جانشین در اهله داد، دین او را ادا می‌کند و وعده‌هایش را تحقق می‌بخشد، دوستانش را کمک نموده، دربرابر دشمنانش می‌ایستد»

از این رو اگر خداوند امور دین را به بندگان برگزیده خود که تربیت نموده و به مقام عصمت رسیده‌اند بسپارد، از نظر عقلی اشکالی به وجود نخواهد آمد.

## ۲) ادله تفویض امر دین به پیامبر اکرم ﷺ و ائمهؑ

مرحوم نمازی در رسالت تفویض، (ص ۳۰-۶۵) و مستدرک سفينة البحار (ج ۸، ماده فرض، ص ۳۲۳-۳۳۳) ادله نقلی موجود را بیان نموده‌اند که می‌توان آنان را به این صورت خلاصه نمود:

۱) آیاتی که بر امامت پیامبر اکرم ﷺ دلالت دارد.

۲) روایاتی که بر تفویض امر دین به پیامبر ﷺ دلالت می‌کند.

۳) روایاتی که بر تفویض امر دین به ائمهؑ دلالت دارد.

## ۱-۲) آیات دال بر ولایت و امامت پیامبر ﷺ

از چندین آیه قرآن کریم چنین برداشت می‌شود که مقام امر و نهی برای پیامبر اکرم ﷺ قرار داده شده است. در این مجال به دو آیه اشاره می‌کنیم:

(۱) «ما آتاكم الرسول فخذوه و ما نهاكم عنه فانتهوا» (الحشر ۵۹ / ۷)

هر آنچه را پیامبر به شما بدهد (از فرمان و فیء) بگیرید و هر آنچه را نهی



کند از آن دوری کنید.

از مقابله موجود بین "ما آتاكم" و "مانهاكم" متوجه می‌شویم که مراد از "ایتاء" در اینجا فرمان رسول خدا<sup>علیه السلام</sup> است. با استفاده از اطلاق و عموم موجود می‌گوییم: باید در همه آنچه پیامبر امر و نهی فرموده‌اند و به عنوان سنت، تقنین نموده‌اند از جناب تبعیت کامل صورت گیرد. در روایات فراوان، از این آیه شریفه برای تفویض امر دین استفاده شده که در ادامه به بیان آن خواهیم رسید، ان شاء الله.

## ﴿من يطع الرسول فقد اطاع امر و من تولى فما ارسلناك عليهم حفيظا﴾

(نساء (٤) / ٨٠)

هر کس از رسول اطاعت کند، به یقین، از خدا اطاعت کرده است و هر کس رویگردان شود، ماتو رانگهبان آنان قرار نداده‌ایم.

از این آیه شریفه فرمان خداوند به اطاعت نمودن از پیامبر اکرم<sup>علیه السلام</sup> استفاده می‌شود. بنابراین با فرمان برداری از پیامبر اکرم<sup>علیه السلام</sup>، فرمان خداوند به این اطاعت نیز امثال شده است.

حضرت امیر المؤمنین علی<sup>علیه السلام</sup> در ضمن خطبه‌ای که به بیان مصیبت فقدان پیامبر اکرم<sup>علیه السلام</sup> پرداخته‌اند؛ پس از بیان این آیه شریفه می‌فرمایند:

﴿فقرن طاعته بطاعته و معصيته بعصيته. فكان ذلك دليلا على ما فوض إليه و شاهدا له على من اتبعه و عصاه، وبين ذلك في غير موضع من الكتاب العظيم. فقال تبارك وتعالى في التحرير على اتباعه والترغيب في تصديقه والقبول بدعوته: قل إن كنتم تحبون الله فاتبعوني يحببكم الله و يغفر لكم ذنوبكم﴾ (آل عمران (٣) / ٣١). «فاتبعوه<sup>علیه السلام</sup> محبة الله و رضاه غفران الذنوب و كمال الفوز و وجوب الجنـه...» (کلینی، ج ٨، ص ٢٦)

پس طاعت خود را به اطاعت او و معصیت خود را به معصیت او قرین ساخت و این دلیل است بر آنچه بدلتغیض شده و گواه است بر هر که از او



پیروی نموده و یا نافرمانیش کرده است و این حقیقت را در آیات قرآن عظیم بیان کرده است، خداوند در مقام تشویق بر اطاعت از او و تصدیق ادعای پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: بگو اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خدا دوستان بدارد و گناهاتان را ببخشاید. بنابراین پیروی از رسول خدا ﷺ دوستی با خداست و خشنودی او موجب آمرزش گناهان و کمال رستگاری و ثبات بهشت است.

از آیات فراوان دیگری می توان به تنها یی و یا با ضمیمه روایات، وجوب اطاعت از پیامبر اکرم ﷺ را به نحو موضوعی استفاده کرد، به این معنا که اطاعت از پیامبر اکرم ﷺ نه فقط از جهت طریقت کلام آن جناب از امر و نهی الهی است، بلکه خود این اطاعت از پیامبر اکرم در اوامر و نواهی آن جناب، موضوعیت دارد. در این مختصر فقط به فهرستی از آنان اشاره می کنیم:

آل عمران ۳۱-۳۲؛ نساء ۶۵؛ آل عمران ۱۳۳؛ انفال ۱ و ۲۰ و ۴۶؛ مائدہ ۹۲؛  
نور ۵۴ و ۵۶؛ احزاب ۷۱؛ مجادله ۱۴؛ محمد ﷺ ۲۳ و ...

## ۲- (۲) روایات دال بر واگذاری امر دین به پیامبر اکرم ﷺ

در کتاب بصائر الدرجات نوزده روایت را درباره تفویض به رسول خدا ﷺ آورده است، هم چنین در کتاب کافی نیز در باب مشترکی که برای تفویض به پیامبر اکرم ﷺ ترتیب داده شده، به دوازده روایت اشاره شده است. ابتدا به گزارش اجمالی از مفاد آنها می پردازیم و سپس بعضی از آنها را ذکر می کنیم.

- ۱- در پاره‌ای از روایات، ضمن بیان فرایندی از تربیت الهی پیامبر اکرم ﷺ و رسیدن به مقام خلق عظیم آمده که امر تفویض را مرتبط بر آن نموده‌اند. (بصائر الدرجات، ص ۳۸۲-۳۷۸، ح ۳ و ۴ و ۵ و ۱۱ و ۱۶ و ۱۸؛ کلینی، ج ۱، ص ۲۶۵، ح ۱ و ۴ و ۶)
- ۲- استناد به آیه شریفه «ما آتاکم الرسول فخدوه و ما نهیاكم عنه فانتهوا» در بیشتر آنان دیده می شود. (بصائر الدرجات، ص ۳۸۲-۳۷۸، ح ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۷ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ...) و کلینی، ج ۱، ص ۲۶۵، ح ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۹ و ۱۰)



۳- در دسته‌ای از این روایات، مواردی از تشریعات پیامبر اکرم ﷺ بیان شده‌اند.  
(بصائرالدرجات، ص ۳۸۲-۳۷۸، ح ۳ و ۴ و ۵ و ۸ و ۹ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۶ و ۱۸ و ۱۹، کلینی،  
ج ۱، ص ۲۶۷ - ۲۶۶، ح ۴ و ۶ و ۷)

۴- در گروهی از اخبار، حکمت این تفویض امتحان مردم در اطاعت بیان شده است (لينظر كيف طاعتهم) (صفار، ص ۳۷۸ - ۳۸۲، ح ۷، ۲، ۱۰؛ کلینی، ج ۱، ص ۲۶۷ - ۲۶۶،  
ح ۳ و ح ۵)

مرحوم نمازی در دو کتاب: رساله تفویض و مستدرک سفينةالبحار، به بیان روایاتی از این کتابها می‌پردازد و عقیده دارد برخی از آنان به اتفاق علماء؛ صحیح السند هستند (رساله تفویض، ص ۳۳؛ مستدرک سفينةالبحار، ج ۸، ص ۳۲۴)

یکی از این روایات را اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمودند:  
إِنَّ اللَّهَ أَدْبَبَ نَبِيَّهُ عَلَى ادْبَهِ فَلَمَا انْتَهَى بِهِ إِلَى مَا أَرَادَ قَالَ لَهُ: أَنَّكَ لَعَلِيٌّ خَلْقُ  
الْعَظِيمِ. فَوَوْضُ إِلَيْهِ دِينَهُ فَقَالَ: مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخَذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ  
فَانْتَهُوا. وَإِنَّ اللَّهَ فَرَضَ فِي الْقُرْآنِ لَمْ يَقُسِّمْ لِلْجَدِ شَيْئًا وَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
أَطْعَمَهُ السَّدَسَ فَاجَازَ اللَّهُ لَهُ وَإِنَّ اللَّهَ حَرَمَ الْخَمْرَ بَعْنَهَا وَحَرَمَ رَسُولُ  
الله علیه السلام کل مسکر فاجاز أمر له ذلك. و ذلك قول الله: هذا عطاءنا فامتن  
او امسك بغير حساب. (بصائرالدرجات، ص ۳۷۹، ح ۴ و کلینی، ج ۱، ص ۲۶۷، ح

(۶)

خداؤند پیامبر خود را برا ادب تربیت کرد. پس آنگاه که پیامبر به آنچه مورد اراده خداوند بود رسیدند، به او فرمود: تو بر خلق عظیمی استوار گشته‌ای. پس دین خود را به او واگذار کرد و به او فرمود: هر آنچه پیامبر به شما فرمان دهد بگیرید و از هر آنچه نهی می‌کند بپرهیزید. خداوند در قرآن ارث را بیان کرد و برای جد چیزی قرار نداد در حالی که پیامبر اکرم علیه السلام برای او یک ششم را (به عنوان طعمه) قرار داد، پس خداوند آن را برایش امضاء کرد. و خداوند خود خمر را حرام نمود و رسول خدا علیه السلام هر مست‌کننده‌ای



راتحریم کرد، که خداوند آن را برایش امضاء کرد. و این (مقام تفویض امر دین) همان کلام خداوند در این آیه است: «این بخشش ماست، پس آن را ببخش یانگه دار»

## ۲- (۲) روایات تفویض امر دین به ائمه

بر اساس تقسیم‌بندی مرحوم نمازی در رساله تفویض (ص ۴۳) ادله مورد استفاده به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند:

الف) روایاتی که از ظاهر آنان به طور مستقیم تفویض امر دین به ائمه استفاده می‌شود. در کتاب بصائر در باب مستقلی سیزده روایت در این زمینه بیان شده است، اما در کتاب کافی به صورت مشترک با پیامبر ﷺ در یک باب این روایات آمده‌اند. علت اشتراک آنان این است که در پاره‌ای از احادیث، تفویض برای پیامبر ﷺ و ائمه ﷺ مشترکاً بیان شده است، مثلاً ابتدا تفویض امر دین به پیامبر اکرم ﷺ بیان شده، آنگاه آمده است:

«فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ فَقْدَ فَوْضَهُ إِلَيْنَا» (کلینی، ج ۱، ص ۲۶۵-۲۶۸، ح ۲ و ح ۹ و صفار، ص ۳۸۳-۳۸۶، ح ۱ و ح ۶ و ح ۸).

«پس هر آنچه را خداوند به پیامبر ش و اگذار نموده به ما نیز و اگذار کرده است».

با عطف ائمه بر رسول خدا ﷺ (کلینی، ج ۱، ص ۲۶۷، ح ۸) این مطلب برای امامان نیز اثبات شده است.

در روایتی امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

لَا وَاللَّهِ مَا فَوَّضَ اللَّهُ إِلَى أَحَدٍ مِّنْ خَلْقِهِ إِلَّا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ وَإِلَى الْأَئِمَّةِ، قَالَ عَزَّوْجَلٌ: إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتُحْكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا رَأَكُمُ اللَّهُ وَهِيَ

جاریه فی الاوصیاء (کلینی، ج ۱، ص ۲۶۷، ح ۸ و صفار، ص ۳۸۶، ح ۱۲) نه به خدا سوگند! خدا امری را به خلقش و اگذار نکرده مگر به پیامبر ﷺ و ائمه ﷺ؛ خدای عزوجل فرموده است. «ما این کتاب را به حق و درستی بر



تو نازل کردیم تا به آنچه خدا ارائه داده حکم کنی». و این آیه درباره اوصیای پیامبر هم جاری است.

شایان ذکر است که علامه نمازی با تتبیع و جامعنگری در روایات ابواب دیگر، موارد دیگری نیز افروده‌اند که به برخی فهرست وار اشاره می‌کنیم:

- ۱) روایت موجود در توحید صدوق که در تفسیر آیه شریفه «کل شیء هالک الا وجهه» امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

«إِنَّ اللَّهَ وَاحْدَهُ مُتَوَحِّدٌ بِالْوَحْدَانِيَّةِ، مُتَفَرِّدٌ بِأَمْرِهِ، خَلَقَ خَلْقًا فَوْضُضَ إِلَيْهِمْ

امْرِ دِينِهِ فَنْحَنْ هُمْ يَابْنُ أَبِي يَعْفُورٍ ..» (ابن‌بابویه، ص ۱۵۲، ح ۹)

۲) کلام رسول خدا علیه السلام درباره امیرالمؤمنین علیه السلام:

«إِنَّ اللَّهَ تَوَحَّدَ بِمُلْكِهِ فَعْرَفَ أَنوارَهُ نَفْسَهُ ثُمَّ فَوْضُضَ إِلَيْهِمْ أَمْرُهُ وَأَبَا حَمْمَ جَنَّتَهُ»

(هلالی، ج ۲، ص ۸۵۹)

۳) سخن رسول خدا علیه السلام در خطبه غدیر در وصف بقیه الله الاعظم ارواحنا فداء:

«أَلَا أَنَّهُ الْمَفْوَضُ إِلَيْهِ ..» (احتجاج، ج ۱، ص ۶۴)

۴. در روایت میلاد امیرالمؤمنین علیه السلام هاتفی چنین مادرش راندا داد: «يا فاطمه سميي علياً فأنما العلى الأعلى انى خلقته من قدرتى و عزّ جلالى و قسط عدلی و اشتقت اسمه من اسمی و ادبیه بادبی و فوضت إليه امری و

وقفته على غامض علمي» (مجلسی، ج ۳۵، ص ۳۵، ح ۳۷)

۵. در زیارت امیرالمؤمنین و ائمه علیهم السلام چنین آمده است:

«وَفَوْضُضَ إِلَيْكُمُ الْأَمْرُ وَجَعَلَ إِلَيْكُمُ التَّدْبِيرَ» (مجلسی، ج ۱۰۰، ص ۳۴۴ و

ج ۱۰۲، ص ۱۵۰)

۶. امام سجاد علیه السلام در حدیث مفصل درباره معرفت ائمه علیهم السلام به نورانیت

فرموده‌اند:

«اخترعنا من نور ذاته و فوض الينا امور عباده» (همان، ج ۲۶، ص ۸، ح ۲)



۷. امام جواد (أبی جعفر الثانی) علیه السلام در روایتی نورانی چنین فرموده‌اند:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَزِلْ مُتَفَرِّدًا بِوَحْدَانِيَّتِهِ ثُمَّ خَلَقَ مُحَمَّدًا وَعَلَيْهِ وَفاطِمَةَ فَكَتُوا أَلْفَ دُهْرٍ ثُمَّ خَلَقَ جَمِيعَ الْأَشْيَاءِ فَأَشَهَدُهُمْ خَلْقَهَا وَأَجْرَى طَاعَتَهُمْ عَلَيْهَا وَفَوَّضَ أَمْرُهَا إِلَيْهِمْ فَهُمْ يَحْلُونَ مَا يَشَاءُونَ وَيَحرِّمُونَ مَا يَشَاءُونَ وَلَنْ يَشَاءُوا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ تَبارَكَ وَتَعَالَى وَجَعَلَ فِيهِمْ مَا شَاءَ وَفَوْضَ أَمْرِ الْأَشْيَاءِ إِلَيْهِمْ فِي الْحُكْمِ وَالتَّصْرِيفِ وَالْإِرشَادِ وَالْأَمْرِ وَالنَّهْيِ فِي الْخَلْقِ» (کلینی، ج ۱، ص ۴۴۱، ح ۵)

### ۳. بررسی حدود ولایت تشریعی

#### ۱-۳) متابعت کامل معصومان از فرامین خداوند

آنچه از بیشتر ادله موجود استفاده می‌شود، وجود ولایت تشریعی برای ائمه علیهم السلام همانند پیامبر اکرم ﷺ است. این مطلب به صورت مطلق و مجمل به دست می‌آید. آنچه در این مقام اهمیت فراوان دارد، رابطه موجود میان ولایت خداوند بر دین و در طول آن ولایت پیامبر اکرم ﷺ و سپس ولایت ائمه علیهم السلام است. شکنی نیست که پیامبر اکرم و امامان علیهم السلام به هیچ وجه نسبت به امر و نهی الهی ذره‌ای عصيان و سریعیچی به خود راه نمی‌دهند؛ چه رسد به اینکه بخواهند در موردی که خدا فرمانی صادر کرده و در واقع دایرۀ کاری را بسته است، برخلاف دستور او، فرمانی صادر کنند.

در روایت شریفی که احمد بن حسن می‌شمی از امام رضا علیه السلام در مورد بیان اختلاف روایات از ائمه بیان کرده است، حضرتش بر اطاعت و تبعیت محض معصومان تأکید می‌کند. آنگاه به این نکته اشاره می‌کنند که اگر در سنت پیامبر اکرم ﷺ روایتی موجود باشد که مفاد آن تحلیل و تجوییز کاری است که خدا آن را حرام نموده است، نمی‌توان به آن عمل نمود، زیرا رسول خدا علیه السلام هرگز حرام و حلال الهی و فرائض او



را تغییر نمی داد و در تمام آنها تابع و تسليم محض خداوند بود و همان را ابلاغ می کرد. (نک: عيون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۰، ح ۴۵)

آنگاه نسبت به اعمال ولايت امامان معصوم علیهم السلام هم بر اين جهت تأكيد می کنند که امامان، هرگز در مقابل امر و نهی رسول خدا علیه السلام که به صورت حکم الزامی بيان شده باشد، حکم مخالف نمی دهند؛ بنابراین اگر حدیثی با این مفاد صادر شده باشد قابل عمل نیست.<sup>۱</sup> زیرا ائمه به طور کامل تابع دستورات رسول اکرم علیه السلام همانند فرامیں خداوند متعال هستند.

## ۲- ولايت تشريعي در امور موسع

اگر در موضوعی خداوند متعال دستوري الزامی به صورت تحريم یا وجوب داشته باشد، هرگز پیامبر اکرم علیه السلام برخلاف آن حکمی نخواهد داشت. بنابراین اعمال ولايت تشريعي حضرت محدود به اموری است که موسع باشند یعنی حکم الزامی الهی در آن موارد نیامده باشد.

ولايت ائمه علیهم السلام نیز در طول ولايت خداوند متعال و رسول خدا علیه السلام است. آنان نیز حکمی بر خلاف احکام الزامی خداوند و پیامبر اکرم نخواهند داشت و در اموری که توسعه دارند، این ولايت را اعمال می کنند.

البته مطرح کردن این اعمال ولايت در حدود افعال با عنوانی اولیه آنان است. یعنی کارهایی که به عنوان اولیه موسع هستند، مورد ولايت قرار می گيرند. و اگر به عنوان اولی مضيق باشند یعنی از جانب خداوند یا رسول خدا علیه السلام حکمی بر آنان آمده باشد، نوبت به ولايت امامان علیهم السلام نمی رسد. بنابراین در امور مضيق منافات ندارد که چیزی به عنوان ثانوی - همچون اضطرار یا تقیه - از حکم الزامی خود خارج شده و حکم دیگری پیدا کند. این تغییر حکم، ربطی به ولايت ائمه ندارد.

۱. توضیح بیشتر متن روایت همراه با بیانات مرحوم میرزا اصفهانی در مقاله ولايت تشريعي پیامبر علیه السلام (سفینه، شماره ۳۲) بیان شده است.

حضرت امام رضا علیه السلام در این باره می فرمایند:

«وَ لَا نَأْمُرُ بِخَلَافٍ مَا أَمْرَ رَسُولَ اللَّهِ إِلَّا لِعَلَّةٍ خَوفٌ ضَرُورَةٌ»

ما به خلاف آنچه رسول خدا علیه السلام امر فرموده، امر نمی کنیم مگر به علت

ترس از خطری ضروری (مثل موارد تقيّه)

ضرورتی مثل تقيّه عنوانی ثانوی است که محدود به حدّی نمی شود و شامل همه احکام الهی می شود و از محل بحث ما خارج است.

#### ۴. احکام اسلام از منظر ولایت اولیاء الهی

پس از روشن شدن حدود ولایت تشریعی، بررسی احکام صادر شده از پیامبر اکرم علیه السلام و ائمه علیهم السلام می تواند نشان دهنده آفاق دیگری از مقام والای ولایت ائمه علیهم السلام باشد و معرفت بیشتری از اولیای دین ببخشد. در این قسمت با استفاده از تحقیقات آیت الله حسینعلی مروارید در این باب مطلب را پی می گیریم.

##### ۱ - (۴) تقسیم‌بندی کلی دین مقدس اسلام

مرحوم آیت الله مروارید درباره احکام موجود می فرمایند:

إِنَّ الَّذِي يَظْهِرُ مِنْ مَجْمُوعِ الرِّوَايَاتِ الْمَبَارَكَاتِ أَنَّ الْحُكْمَ الصَّادِرَةَ مِنْهُمْ

لبيان وظایف الناس على قسمین:

القسم الاول: احکام فرضها الله تعالى و كان شأن النبي و الائمة علیهم السلام ابلاغها إِمَّا بِنَحْوِ كُلِّ أو بِصُورَةِ الْحُكْمِ الْبَزَّئِ الَّذِي يَشْمَلُ الْحُكْمَ الْكُلِّ الصَّادِرُ مِنْ الله تعالى؛ و يَعْبُرُ عَنْ تَلْكَ الْاحْكَامِ بِالْفَرِيْضَةِ أَوْ بِفَرْضِ اللهِ. و هَذَا يَعْمَلُ الواجبات و المحرّمات بل و غيرها، فإن كل حكم شرعه الله تعالى و عينه - تكليفياً كان أو وضعياً - فهو فريضة منه تعالى و إن كان الشاعر استعملها في الواجبات.

القسم الثاني: احکام فرض أمرها إلى النبي علیه السلام و جعل له الولاية عليها، و

هذا على ثلاثة اقسام كلّها من شؤون الولاية التشريعية التي جعلها الله للنبي ﷺ بلا اشكال و الائمة عليهما السلام ايضاً طبق ظاهر بعض الروايات.

آنچه از تمامی روایات مبارک ظاهر می شود، این است که احکام صادر شده از آنان: برای بیان وظایف مردم بر دو دسته است:

دسته اول: احکامی که خداوند قرار داده است و کار پیامبر اکرم ﷺ و ائمه علیهم السلام رساندن آنها به مردم است. (و این ابلاغ) به نحو کلی یا به صورت یک حکم جزئی که حکم کلی الهی آن را در بردارد انجام می شود. و این احکام "فرضه" یا "فرض الله" نامیده می شود و شامل همه واجبات و محترمات بلکه غیر آنها نیز می شود، زیرا هر حکم تکلیفی یا وضعی که خداوند آن را قرار داده است، فرضه ای از جانب او خواهد بود اگر چه استعمال شایع فرضه در "واجبات" است.

دسته دوم: احکامی است که خداوند امر آنها را به پیامبر اکرم ﷺ تفویض و واگذار کرده است و این احکام خود به سه دسته تقسیم می شوند که همگی از شؤون ولایت تشريعی است که بدون شک خداوند برای پیامبر اکرم ﷺ قرار داده است و همین ولایت بر اساس ظواهر گروهی از روایات برای ائمه علیهم السلام نیز قرار داده شده است.

#### ۲-۴) شؤون ولایت تشريعی معصومان علیهم السلام

ایشان در ادامه مطلب، احکام صادر شده از ناحیه پیامبر اکرم و ائمه علیهم السلام را چنین تقسیم بندی می کنند:

الاول: تشريع الحكم الدائم و موضوعه مالم يشرع الله فيه حکماً؛ فإنَّهُ الَّذِي

فَوْضَ اللَّهُ إِلَى النَّبِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعَبَّرَ عَنْهُ تَارِيْخَ السَّنَّةِ وَأَخْرَى بِفَرْضِ النَّبِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ

هذا ثابت للنبي كما سيأتي ان شاء الله

الثاني: تشريع الحكم الموقت لمصالح وقتية و هذا ثابت للنبي كما في نهيه عن أكل لحم الحمر الأهلية في بعض الغزوات. و ظاهر بعض الروايات ثبوته للائمة أيضاً كما روي في جعل على علیهم السلام الزكاة على الخيل العتاق و ايجاب الامام

**الجواد علیه السلام** خمس علی عده من اصحابه من بعض اموالهم الزکویة علی إشكال فی أنّ هذا قسم مستقلّ او مندرج فی القسم الآتي و لعله الأقرب.

الثالث: الاوامر و النواهي او ما يؤدّي مؤدّاها الصادرة منهم من غير تصريح بالوجوب او التحرير علی نحو العموم او المخصوص و المعارض و التورية من غير كذب و إبراز الحكم الغير الازاميّ بصورة الإلزام تربية او تقیة. و هذا ثابت للنبي و الأئمّة علیهم السلام بلا اشكال. (تبیهات حول المبدأ و المعاد)

دسته اول: قرار دادن حکم دائمی در شرع است و موضوع این تشریع در جایی است که خداوند متعال حکمی در آن مورد تشریع نکرده باشد، این حکمی است که امر آن به پیامبر اکرم علیه السلام تقویض شده است و از آن گاهی به "سنّت" و گاه به "فرض النبی" تعبیر می شود و این نوع حکم کردن برای پیامبر اکرم علیه السلام - آنگونه که می آید - ثابت است.

دسته دوم: قرار دادن احکام موقّت بر اساس مصالحی که در زمانهای وجود دارند. این نوع بر پیامبر اکرم علیه السلام ثابت است همان گونه که در بعضی از جنگها، از خوردن گوشت الاغهای اهلی نهی فرمود، از ظاهر بعضی روایات ثبوت این حکم برای ائمّه نیز استفاده می شود مثل قرار دادن زکات (کلینی، ج ۳، ص ۵۳۰، ح ۱) بر روی اسبهای اصیل از سوی حضرت علی علیه السلام و واجب نمودن امام جواد علیه السلام خمس را در بعضی از اموال زکات دار برای بعضی از اصحابشان (وسائل الشیعه، ج ۹، ح ۵۰۱، ص ۱۲۵۸۳) روایت شده است. البته در اینکه این قسم مستقل است یا از موارد دسته سوم حساب می شود، تردید وجود دارد و شاید ملحوق کردن به دسته سوم بهتر باشد.

دسته سوم: امرها و نهیها و هر آنچه نتیجه امر و نهی را بدھد که از ائمّة علیهم السلام صادر شده و در آنها تصريح به وجوب یا حرمت نشده است که به صورت عمومی یا شخصی همراه با معارض (و مفاهیم و کنایات) و توریه بدون دروغ گویی (در بیان احکام) بیان شده اند و همین طور ظاهر نمودن حکمی که در واقع الزاماً نیست به گونه الزام به خاطر تربیت یا تقیه. همگی این موارد بدون شک و شبیه بر پیامبر اکرم علیه السلام ثابت است.

به نظر می‌رسد با وجود مقام تشریع حکم دائمی برای ائمه<sup>علیهم السلام</sup>، اماً به لحاظ ظواهر ادله احکام، اثبات وقوع آن و تشریع شدن حکم دائمی از سوی آنان همانند پیامبر اکرم<sup>صلوات الله علیه و آله و سلم</sup> مشکل است. از این جهت مرحوم آیت الله مروارید در دسته اول، آن را به پیامبر اکرم اختصاص دادند. در مقابل چیزی که می‌توان آن را به طور مفصل و گسترده در احکام و فتواهای ائمه<sup>علیهم السلام</sup> مورد کاوش قرار داد، گروه سوم است که بیان آن و کیفیت جریان آن مجال گسترده‌ای می‌طلبد.

### فهرست منابع

۱. ابن بابویه، محمدبن علی. **التوحید**. تحقیق: سید هاشم حسینی تهرانی، قم: جامعه مدرسین.
۲. صفار، محمدبن حسن. **بصائر الدرجات**. تحقیق: محسن بن عباسعلی کوچه باگی، قم: مکتبة آیت الله مرعشی نجفی.
۳. طبرسی، احمدبن علی. **الاحتجاج**.
۴. کلینی، محمدبن یعقوب. **الكافی**. تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۵. مجلسی، محمد باقر. **بحارالانوار**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۶. نمازی شاهروdi، علی. **رسالة تقویض**.
۷. —————. **مستدرک سفينة البحار**. تحقیق: شیخ حسن نمازی، قم: جامعه مدرسین.
۸. هلالی، سلیمبن قیس. **کتاب سلیمبن قیس**. تحقیق: محمد انصاری زنجانی، قم: الهادی.